

عدالت جهانی در اندیشه امام خمینی علیه السلام

علی‌رضا دلشیر *

حسین ترک **

چکیده

موضوع تحقیق عدالت جهانی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، در سه بخش مولف فرهنگی، سیلمسی و اقتصادی، در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش فردی - فرهنگی، عدم تحقق عدالت فردی - نفسی، جهل و ناآگاهی، جداسازی رابطه عدالت و معنویت و روحیه ظلم‌پذیری ملت‌ها در برابر ظالمان جهانی؛ در بخش سیلمسی، توزیع نابرابر قدرت و جدایی اخلاق و سیلمست؛ در بخش اقتصادی، حاکمیت معیارهای سرمایه‌داری، از مولف ایجاد عدالت جهانی هستند. به تنلسب، راهکارهای رسیدن به عدالت مطلوب جهانی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، در سه بخش راهکارهای فردی - فرهنگی (تحول فردی و اجتماعی)، راهکارهای سیلمسی (تعديل قدرت) و راهکارهای اقتصادی (استتالی معنوی انسان‌ها در کنار ترقی مادی، توزیع عادلانه ثروت و استتقلال اقتصادی)، دسته‌بندی شده است.

واژگان کلیدی

امام خمینی علیه السلام، عدالت جهانی، مولف، راهکارها.

*. دانش‌آموخته حوزه علمیه و کارشناس ارشد انقلاب اسلامی.

daneshyarelireza@yahoo.com

atrakhossein@gmail.com

تاریخ پذیرش: 90/7/22

** استادیار دانشگاه زنجان.

تاریخ دریافت: 90/3/10

مقدمه

ظلم، نابرابری و تبعیض، همیشه تهدیدکننده تمدن بشری و حکومت‌های حاکم بر ملل بوده است. از این‌رو، بحث از مفهوم عدالت و سازوکار اجرای آن در جامعه، همواره کانون توجهات اندیشمندان و حاکمان سیلسی بوده است. با پیشرفت علوم و فناوری در جهان و گسترش روابط بین‌الملل، بحث از عدالت در سطح روابط بین‌ملتها و کشورها اهمیت بیشتری یافت. با پیدایش انقلاب‌های صنعتی و پیشرفت علوم و فناوری در برخی از کشورها و تفکیک کشورهای جهان به کشورهای پیشرفته، در حال توسعه و عقب‌مانده، بحث از عدالت جهانی اهمیت بسزایی پیدا کرد؛ زیرا کشورهای پیشرفته به خود اجازه هرگونه چپاول و غارت کشورهای جهان سوم را داده، انواع ظلمها و بی‌عدالتی‌ها را در حق آنها اعمال می‌کردند. از این‌رو، اندیشمندان و متفکران تراز اول بین‌المللی بحث عدالت جهانی، چپستی و راهکارهای اجرای آن در جهان را مطرح کرده‌اند. در این میان، برخی از اندیشه‌ها و راهکارهای اجرای عدالت در جهان، شکل آرمانی دلشت و توفیق چندانی پیدا نکرد. اندیشه‌های امام خمینی علیه‌السلام، به‌عنوان یک چهره تاریخ‌ساز و بین‌المللی، در موضوعات مختلف از جمله در بحث عدالت که برگرفته از اسلام ناب محمدی است، همواره مورد توجه و راه‌گشا بود. ایشان به بحث عدالت و موانع آن در جهان، به‌شکل عینی و مصداقی پرداخت. امام به‌دنبال ارائه یک نظریه آرمانی و غیرکاربردی نبود، بلکه به طرح مباحث عملی و ایجاد تحول در وضعیت عدالت در جهان امروز پرداخت. تحقیق حاضر می‌کوشد تا موانع و زمینه‌های عدم تحقق عدالت جهانی و راهکارهای رسیدن به آن را از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام بررسی کند.

معانی عدالت در اندیشه امام خمینی علیه‌السلام

امام خمینی علیه‌السلام، یک اندیشمند دینی جامع و آگاه به زمان و جهان، با دریافتی جامع از دین و با نگاهی عقلانی - انسانی به سیلست و با درکی کامل از نیازهای جامعه، به احیای نگرش اسلام در تمام ابعاد حیات انسانی پرداخت. (جمشیدی، 1380: 422) به‌نظر ایشان وضعیت اجتماعی، سیلسی و فرهنگی نظام بین‌الملل در مسیری ناعادلانه قرار دلشت. از این‌رو، به تعریف عدالت، شناخت علل بی‌عدالتی در جهان و ارائه راهکارهای عملی برای از بین بردن

بی‌عدالتی جهانی همت گماردند. پایه و اساس دیدگاه ایشان دربارهٔ عدالت، برگرفته از اندیشه‌های دینی است. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام مفهوم عدالت، فرامکانی و فرازمانی است که در ارتباطات داخلی و جهانی قابل استفاده است. از نظر ایشان عدالت چند مرحله دارد؛ عدالتی که از ذات خداوند به‌عنوان یک صفت الهی شروع می‌شود و در قالب عدالت تکوینی در جهان هستی گسترش می‌یابد و در قالب عدالت تشریحی، در احکام فرستاده‌شده برای انسان تبلور می‌یابد و در نهایت، در جامعه بشری و قوانین اجتماعی، منتشر می‌شود. بنابراین، عدالت از منظر امام خمینی دارای این معانی است.

1. عدالت به‌عنوان صفت الهی و سنت عالم (عدالت در تکوین و تشریح)

از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، جهان هستی دارای خالق و مدبری یکتاست که جهان را براساس علم و قدرت مطلق و حکمت و لطف خود خلق کرده است. ریشه و اصل همه اعتقادات، اصل توحید است که مطابق این اصل، خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود انسان، تنها ذات مقدس حق تعالی است. (امام خمینی، 1377 ب: 5 / 387) از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، ذات باری تعالی، عالم، قادر و حکیم مطلق است و در نتیجه، عدالت مطلق دارد. به این معنا که شایستگی‌ها و استعدادها را هر موجودی را برای دریافت وجود و کمالات وجودی به او اعطا کرده است. خداوند متعال، هم در بُعد تکوین، یعنی خلق و تدبیر عالم و هم در بُعد تشریح یعنی قانون‌گذاری برای بشر و ارسال رسل، عادل مطلق است. (جمشیدی، 1380: 458 و 459) چون خداوند عادل مطلق است و ذات او عین عدل است، آنچه نیز به قلم قدرت او جریان پیدا کرده است، براساس عدل و نظام اتم و احسن است. (امام خمینی، 1373: 112)

عدالت به‌مثابه قانونی عام و فراگیر، در سراسر جهان جریان دارد و آن را به نظام احسن تبدیل کرده است. انسان نیز به‌عنوان بخشی از جهان هستی، تابع نظام احسن و اکمل است و به‌طور نسبی، توانایی تحقق عدل الهی را در وجود خود دارد. عدالت در این معنا، در نظام تکوین و تشریح الهی محقق است و خداوند، اصل و ریشه عدالت است:

حکمت آفریدگار بر این تعلق گرفته که مردم به‌طریقۀ عادلانه زندگی کنند و در

حدود و احکام الهی، قدم بردارند؛ این حکمت، همیشگی و از سنت‌های خداوند متعال و تغییرناپذیر است. (امام‌خمينی، بی‌تاج: 40)

2. عدالت به معنای حد وسط (اعتدال)

امام خمینی علیه السلام به پیروی از ارسطو، در بحث از فضایل اخلاقی، عدالت را به معنای رعایت حد وسط در امور تعریف می‌کند:

بدان که عدالت عبارت است از: حد وسط بین افراط و تفریط؛ و آن از امهات فضایل اخلاقیه است ... (امام‌خمينی، 1377 الف: 147)

براساس این تعریف، عدالت ملکه‌ای نفسانی است که از اعتدال و میانه‌روی قوای عقلیه، شهوی و غضبی نفس انسان پدید می‌آید. به این معنا که اگر هر یک از قوای نفسانی، در عملکرد خود رعایت حد وسط را نکنند و از افراط و تفریط بپرهیزند، به فضیلت متناسب خود که به ترتیب عبارت از حکمت، عفت و شجاعت است، می‌رسند و از جمع این فضایل، فضیلت چهارمی به نام عدالت به دست می‌آید که جامع همه فضایل است. همچنین به این دلیل که نسبت به فضایل دیگر در حد وسط قرار می‌گیرد، در نتیجه، برقرارکننده تعادل بین تمام فضایل است، یعنی اعتبار دیگر فضایل با عدالت مشخص می‌شود؛ پس عدالت و قسط میزان و مقیاس امور می‌شود. (جمشیدی، 1380: 463)

3. عدالت به معنای ویژگی اجتماعی

تعریف دیگر امام خمینی از عدالت، تعریفی اجتماعی است؛ برخلاف تعریف قبلی که تعریفی فردی و نفسی بود. عدالت در این معنا، ویژگی قوانین اجتماعی و نیز ویژگی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی و مهم‌تر از آن، ویژگی جامعه انسانی است.

... عدالت اجتماعی، حکومت عدل و رفتار عادلانه حکومت‌ها با ملت‌ها و بسط عدالت اجتماعی در بین ملت‌ها و امثال اینها که در صدر اسلام با قبل از اسلام از آن وقتی که لیبیا مبعوث شدند، وجود داشته و قبل تغییر نیست. عدالت، معنایی نیست که تغییر کند؛ یکوقت صحیح و زمانی غیر صحیح باشد. (امام‌خمينی، 1377 ب: 11 / 1)

عدالت به این معنا، مقابل ظلم، تزییع حقوق اجتماعی مردم و ملت‌ها و انواع تبعیض است. این معنای عدالت، ویژگی وجودی هر انسانی است که به‌طور طبیعی گرایش به عدل و قسط دارد و از جور و ستم متنفر و گریزان است:

... قلب فطرتاً در مقابل قسمت عادلانه خضع است و از جور و اعتساف فطرتاً گریزان و متنفر است. از فطرت‌های الهیه که در کمون ذات بشر مخمر است، حب عدل و خضوع در مقابل آن است و بغض ظلم و عدم لقیاد در پیش آن است ... (امام‌خمینی، 1373: 113)

بحث اصلی امام، در عدالت جهانی، ناظر به این معناست.

موضوع عدالت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

گسترده‌گی موضوع عدالت، بحث دیگری است که در اندیشه امام خمینی، قابل طرح است. از نظر ایشان، موضوع عدالت، چهار چیز است:

اول، جهان هستی است. امام علیه السلام، جهان هستی را زیباترین، بهترین و کامل‌ترین نظام و مطابق با مصالح تامله انسان‌ها، به‌عنوان یکی از موضوعات عدالت می‌داند. (همان)

دوم، نفس انسان است. امام خمینی علیه السلام، عدالت را راه انسان‌سازی و تربیت انسانی می‌داند. تحول انسان و حرکت او در خط مستقیم الهی و رسیدن به اعتدال حقیقی است. (همان: 152 و 153)

موضوع سوم عدالت، قانون است. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، قانون به‌مثابه موضوع عدالت، اعم از احکام شرع و قوانین موضوعه بشری، باید مبتنی بر عدل باشد. قانون و حکم، اساس و مبنای عدالت است و احکام و قوانین وسیله و ابزاری برای تحقق عدالت هستند. (امام‌خمینی، بی‌تا ج: 70)

موضوع چهارم عدالت، جامعه است. اگر انسان به‌عنوان فرد، موضوع عدالت واقع می‌شود، جامعه نیز به‌مثابه جمعی از افراد می‌تواند موضوع عدالت قرار گیرد. این مسئله، به‌ویژه با توجه به اصل برابری انسان‌ها در برابر قوانین و خلقت که مورد تأیید امام خمینی است، اهمیت بیشتری می‌یابد. (امام‌خمینی، 1377 ب: 5 / 388)

دیدگاه امام خمینی علیه السلام درباره عدالت جهانی

دو سؤال عمده و مهم، از اندیشه امام خمینی علیه السلام در سطح عدالت جهانی قابل استخراج و بررسی است:

پرسش اول: سؤالی ریشه‌ای را در برابر وضع موجود، مطرح می‌کند، که ضمن تشریح چرایی وضع موجود، اعتراضی عمیق به آن را نشان می‌دهد: چرا بشر امروز، راه عدالت حقیقی و معنوی و در نتیجه، راه سعادت و خیر را گم کرده و آن را به فراموشی سپرده است؟

پرسش دوم: این است که راهکارهای اجرای عدالت حقیقی و واقعی در جامعه جهانی چیست؟ امام خمینی علیه السلام، چه طرح‌ها و برنامه‌هایی برای این منظور دارند؟

براساس این دو پرسش، اندیشه امام خمینی علیه السلام درباره عدالت جهانی را می‌توان در دو بخش بررسی کرد: بخش اول، موانع تحقق عدالت جهانی و بخش دوم، راهکارهای ایجاد عدالت جهانی.

موانع تحقق عدالت جهانی

به‌طور کلی، موانع تحقق عدالت جهانی در اندیشه امام خمینی علیه السلام در سه سطح موانع فردی - فرهنگی، سیلمسی و اقتصادی خلاصه می‌شود.

1. موانع فردی - فرهنگی

یک. عدم تحقق عدالت فردی و نفسانی

از نظر امام خمینی علیه السلام، عدالت فردی و نفسانی که یک وصف اخلاقی است، مقدمه عدالت اجتماعی است. کسی که در درون و نفس خویش نتوانسته خُلق عدالت را ایجاد کند و دوقوه شهوی و غضبی و افراط و تفریط‌های آنها بر قوه عقله و ملکی او غلبه دارد، در درون خود متصف به صفت ظلم است؛ از این رو، هر عملی که انجام دهد، چه فردی و چه اجتماعی، مصداق ظلم به خود یا دیگران خواهد بود. امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند:

... اگر اخلاق [انسان] اخلاق منحرفی باشد، این احراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید، یک احرافی

و کجی‌هایی بلشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل لسان ... (امام خمینی، 1377 ب: 481 / 12)

عدالت در اخلاق فردی، به معنای اعتدال قوای نفسانی و اطاعت دو قوه شهوی و غضبی از قوه عقله است. بنابراین، ظلم، نتیجه غلبه قوای غضبی و شهوی و عدم اطاعت آنها از عقل است که سبب خروج بشر از صراط مستقیم و حد اعتدال و تمایل به افراط و تفریط می‌شود. (امام خمینی، بی تا الف: 3 / 363)

دو. جهل و ناآگاهی

عامل دیگر تحقق بی‌عدالتی اجتماعی و جهانی، جهل و نادانی انسان‌هاست. از نظر امام خمینی، جهل ریشه تمام ردایل و صفات ناپسند است؛ جهل انسان در بُعد فردی و اجتماعی، سبب گمراهی و تباهی و افتادن در مسیر شرارت و ضلالت می‌شود:

... خیر - که وزیر عقل است - و شر - که وزیر جهل است - از لتهات فضایل و ردایل هستند که جمیع آنها برگشت به این دو کنند؛ مع ذلک در حدیث شریفه از جنود شمرده شده در مقابل سایر جنود، و همین‌طور عدل و جور را که از جنود شمرده‌اند، از لتهات هستند که بسیاری از جنود در تحت آن دو ملکه هستند ... (امام خمینی، 1377 الف: 61)

ناآگاهی و جهل، سبب بروز بی‌عدالتی در سطح اجتماعی است. وقتی که مردم به ژرفای مسائل پیرامون خود آگاه نباشند، باعث سوءاستفاده‌های، از حقوق آنان می‌گردد و زمینه دست‌اندازی به حقوق آنان فراهم می‌شود. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام تمام گرفتاری‌هایی که در طول تاریخ به وجود آمده است، بهره‌داری از جهالت مردم بوده است؛ جهالت مردم را آلت دست‌قرار دادند و برخلاف مصالح خوششان تجهیز کردند. (امام خمینی، 1377 ب: 13 / 452)

سه. جداسازی مفهوم عدالت از معنویت
رابطه عدالت و معنویت، از موضوعاتی است که امام خمینی علیه السلام به آن تأکید و توجه خاصی

دلشند. به عقیده ایشان، در اندیشه مادی امروز، مفهوم معنویت از معنای عدالت حذف و جدا شده است. امام خمینی علیه السلام با اشاره به برداشت سوء از مفهوم عدالت در تفکر مادی، به نقد آن پرداخته و در بخش نظری و مکتبی بر ضد اندیشه مادی مبارزه می‌کنند و توجه خود را به بُعد بیداری فکری در این زمینه معطوف می‌دارند:

... ما در یک عصری واقع شده‌ایم که الفاظ از آن معنا که دارند، فرار کرده‌اند؛ یک معنای دیگری دنبالش آمده. معنای «عدالت» را وقتی لسان نگه می‌کند در دنیا، الآن یک‌جور دیگر است؛ معنای «خلق‌ی‌بودن» را آدم ملاحظه می‌کند
الفاظ به کلی از محتوای خودش خالی شده ... (همان: 16 / 433 - 431)

امام خمینی علیه السلام، درباره اجرای عدالت در اجتماع انسانی، به دو نوع جامعه انسانی اشاره می‌کنند که شیوه اجرای عدالت در آنها با یکدیگر متفاوت است؛ یکی، جوامع غربی و مادی‌گرا که حکومت‌های حاکم بر آنها، صرفاً به دنبال ترقی مادی بوده‌اند و دیگری، جوامع الهی که حکومت‌های حاکم بر آنها، در پی تعالی معنوی بوده‌اند. مصداق جوامع الهی، جوامعی است که انبیای الهی به دنبال ایجاد آنها بوده‌اند. در حکومت‌های نوع اول، عدالت صرفاً مفهومی مادی پیدا می‌کند و به توزیع عادلانه مادیات منحصر می‌شود. اما در حکومت‌های الهی، عدالت مفهومی معنوی و الهی پیدا می‌کند و حکومت، اهداف، ویژگی‌ها و اجتماعی که باید در آن عدالت جاری شود، با ابتدا بر عقیده توحیدی شکل می‌گیرد که در آن، علاوه بر اینکه ترقی مادی، به تعالی معنوی انسان‌ها ضروری نمی‌زند، سبب رشد و بالندگی جامعه انسانی می‌شود. امام خمینی علیه السلام، عدالت اجتماعی را با چنین رویکردی، تعریف می‌کنند:

اینکه توهم می‌شود که فرق ملین رژیم اسلامی لسانی با سایر رژیم‌ها این است که در این عدالت هست؛ این صحیح است، لکن تنها فرق این نیست، فرق‌ها هست. یکی از فرق‌هایش قضیه عدالت اجتماعی است. هیچ یک از رژیم‌های دنیا، غیر از آن رژیم توحیدی لبیاء، توجهش به معنویات لسان نبوده است؛ در نظر ندلشته است که معنویات را ترقی بدهد. آنها همه به دنبال این بوده‌اند که این مادیات را استفاده بکنند و یک نظام مادی در عالم ایجاد کنند. (همان: 8 / 255)

امام خمینی علیه السلام، بر پایه اندیشه و عقیده الهی، در برقراری رابطه بین عدالت و معنویت و به طور کلی دین، که اسلمی‌ترین و بنیانی‌ترین کانون حرکت و پویایی به طرف معنویات است، به نقد تفکر مادی مارکسیستی درباره عدالت می‌پردازد. نقد امام خمینی علیه السلام متوجه این اندیشه مارکسیستی است که دین را افیون جامعه و سبب بی‌حرکی، خمودگی و سکون انسان‌ها می‌داند. تفکر مادی با سوءبرداشت از دین و معنویات، آنها را توجیه‌گر بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی معرفی می‌کند. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، دین موجب پویایی و حرکت اجتماع انسانی و ترقی مادی در کنار ترقی معنوی انسان‌هاست که به ایجاد جامعه عادلانه الهی می‌انجامد:

سلام مکتب تجو ک است و قرآن کریم کتاب تجو ک؛ تجو ک از طبیعت به غیب، تجو ک از مادیت به معنویت، تجو ک در راه عدالت، تجو ک در برقراری حکومت عدل. و مع‌الأسف ... آنها تبلیغاتی کردند که حتی خود شرقی‌ها هم، آنها را چیزی غفل بودند از اسلام و از مکتب‌های توحیدی، بلورشان آمد. آنها بعکس آن چیزی که مکتب‌های توحیدی هست، که همه مکتب تجو ک بوده‌اند، گفته‌اند: دیلت قیون جامعه است! یعنی دین آمده است که مردم را خواب کند. (همان: 291)

امام خمینی علیه السلام، به مبارزه‌های اسلمی با روند تخریب دین و ارزش‌های الهی و سوءبرداشت‌ها از اندیشه دینی و نیز عدالت می‌پردازد و بر رابطه ناگسستنی آن دو تأکید می‌کنند. نمونه این مبارزه، دعوت گورباچف به بازگشت به معنویت و مسیر الهی است.

چهار. روحیه ظلم‌پذیری ملت‌ها در برابر ظالمان جهانی

امام خمینی علیه السلام، با انتقاد از نظم موجود جامعه جهانی که خود به‌وجودآورنده بسیاری از بی‌نظمی‌ها، نابرابری‌ها و تبعیض‌هاست، می‌کوشد روحیه انتقادی و وجدان بشری را در برابر روند بی‌عدالتی جهانی، بیدار کند:

با منطق قوی اسلامی، مفلسد را بیان کنید، قلمون‌شکنی‌ها را بر ملا کنید، اعتراض کنید ... (همان: 1 / 199 و 200)

انظلام (تن دادن به ظلم)، روند بی‌عدالتی و بی‌قانونی جهانی را تشدید می‌کند:

لظلام بدتر از ظلم لست، لعراض كنید؛ لكار كنید؛ لكذب كنید؛ فریاد بزنیید. بلید در بر لبر دستگه تبلیغات و لتشارات آنها دستگهی هم این طرف به وجود بیاید تا هر چه به دروغ می گویند، لكذب كنند. بگوید دروغ لست ... (امام خمینی، بی تا ج: 106)

حس انتقادی، شخص را از آنچه هست، فراتر می برد. فرد منتقد، به ظاهر دلشته ها معترض و جویای واقعیت و حقیقت است. عدالت طلبی مداوم، تلاش دوچندان به وجود می آورد و برای زمامداران همچون زنگ هشدار می است تا برای بر دلشتن موانعی که بر سر راه عدالت قرار گرفته است، تلاش کنند. (سیدبقری، 1386: 78 و 79)

2. موانع سیاسی

یک. توزیع نابرابر قدرت در جهان و نظام های سلطه

قدرت و نیروی برتر همواره این خطر را به دنبال دارد که صاحب قدرت، از توان برتر خود سوء استفاده کند و از آن در مسیر اهداف شخصی و خودخواهانه بهره برداری نادرست کند. همیشه قدرت مهار نشده، به فساد و تباهی می انجامد. یکی از عوامل اجرایی نشدن عدالت در حوزه سیلسی و روابط بین الملل، نظام سلطه و حکومت های تمامیت خواه هستند که می خواهند جامعه جهانی را در اختیار خود بگیرند. امام خمینی ره در این زمینه می فرماید:

قدرت در دست ظالم، دنیا را به فساد می کشاند. چنلچه قدرت در دست زورمندی باشد که عاقل نیستند، مهذب نیستند، مصیبت بار می آورد؛ امروز که مشاهده می کنید این دو قطب بزرگ، برای خودشان این حق را قائل هستند که ملت های دیگر باید تحت سلطه ما باشند، این فکر اگر همراهش قدرت باشد، مصیبت بار می آورد. (امام خمینی، 1377 ب: 18 / 206)

در قلموس واژگان حضرت امام ره، در موارد زیادی، کلماتی نظیر ابر قدرت ها، قدرت های بزرگ، قدرت های مستکبر، زورگو، قدرت طلب، قلدر، مستکبر، استکبار، ظالم ها و در مقابل، کشورهای ضعیف، مستضعف، مستضعفان، مظلومان و ... به کار رفته است. با واکاوی دقیق، این نکته آشکار می شود که امروزه، قدرت به صورت ناعدالانه ای در سطح جهانی توزیع شده

است و این توزیع نابرابر، سبب شکل‌گیری نظامی بین‌الملل، متشکل از کشورهای قدرتمند و ضعیف شده است. امام خمینی علیه السلام، با ترسیم نظام سلطه در زمان خویش که دو قدرت آمریکا و شوروی سابق بود، آن دو را مانع تحقق عدالت جهانی بیان می‌کنند که با از بین رفتن شوروی، امروز، تنها مانع تحقق عدالت، آمریکای جهان‌خوار است. امام خمینی علیه السلام در این فراز، به ریشه قدرت‌طلبی و زورگویی این قدرت‌ها اشاره می‌کنند و آن را نبود عدالت فردی و نفسانی در حاکمان سیلسی این کشورها بیان می‌کنند. کسی که از نظر اخلاق فردی مهذب و خوشاختر نیست، وقتی قدرت به دستش بیفتد، عامل فساد خود و جامعه خواهد بود. این قدرت‌ها با زیرپا گذاشتن عقل سلیم انسانی و موازین اخلاقی که پایه دین و معنویات است، بر جامعه جهانی به صورتی ناعادلانه سلطه یافته‌اند.

مشکل بزرگ‌تر آن است که سلطه‌طلبی و تمامیت‌خواهی قدرت‌های ظالم، به صورت یک تفکر و اندیشه درآمده است و اندیشمندان فلسفی، به توجیه آن می‌پردازند و آن را لازمه ایجاد نظم و عدالت در جهان بیان می‌کنند. در نتیجه، این فلسفه پردازان‌ها وقتی با قدرت امتزاج می‌یابند، جهان و جامعه جهانی را به مصیبت‌های ناگواری دچار می‌سازند. قدرت به تبع این منظومه فکری، در خدمت منافع دنیوی و «این‌جهانی» قرار می‌گیرد.

در مقابل، به نظر امام خمینی علیه السلام، قدرت در اندیشه دینی و معنوی بر فضیلت‌اندیشی و عدالت‌محوری مبتنی است. صاحب قدرت هرگز نباید قدرت را برای سود شخصی خود به کار گیرد و در راه حفظ و افزایش آن، به ستم، فریب و اعمال ضد اخلاقی روی آورد. از نگاه امام علیه السلام، قدرت مطلق از آن خداست و انسان، قدرت مطلق ندارد. انسان در به دست آوردن قدرت باید به سوی اهداف عالی الهی و انسانی جهت‌گیری کند. با نبود این جهت‌گیری عدالت‌محورانه، قدرت قدرتمندان به غریزها و هوا و هوس‌های فردی فلسد محدود می‌شود و هدف نامطلوب، هر وسیله‌ای از جمله قدرت‌طلبی را توجیه خواهد کرد. امام خمینی علیه السلام شرط حاکمیت و قدرت برتر را برخوردار بودن از علم و عدالت دانسته‌اند و آن را چه در بعد داخلی و چه در بعد بین‌المللی لحاظ می‌دارند؛ چنان‌که می‌فرمایند:

حاکمی که می‌خواهد به‌وسیله تشکیلات دولت و قدرت امر لسه‌ای که دارد هد فه‌ای عالی لسلام را عملی کند، همان هد فه‌ایی را که امام علیه‌السلام شرح داد، بلیستی همان خصال ضروری را که سابقاً لشاره کردیم داشته بلشد؛ یعنی عالم به قلون و عادل بلشد. به‌همین جهت، حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام به‌دنبال فرمایشات خود در تعیین هد فه‌ای حکومت، به خصال لازم حاکم لشاره می‌فرماید ... (امام‌خمینی، بی‌تا ج: 56)

دو. جدایی اخلاق از سیاست

بحث مهم دیگر این است که رابطه اخلاق و سیلست تا چه حد در اندیشه سیلسی امام علیه‌السلام، مهم تلقی می‌شود؟ به‌عبارت دیگر، پیوند یا عدم پیوند اخلاق و سیلست، چه تأثیری بر اجرای عدالت در جامعه جهانی می‌گذارد؟ در این راستا، اخلاق، ابزاری برای سیلستمدار و حاکم است تا مردم را وادار به تبعیت از قدرت کند؛ نه اینکه اخلاق، ارزش متعالی انسانی یا الهی مورد نظرشان بلشد و معتقد بلشند که سیلستمدار باید آراسته به اخلاق بلشد. (بادامچیان، 1378: 20)

از نظر امام علیه‌السلام، علت اصلی فساد قدرت در هست ابرقدرت‌ها و نظام‌های سلطه، عدم تهذیب نفس حاکمان سیلسی و زیر پا گذاشتن موازین اخلاقی است که ریشه در نظریه جدایی اخلاق از سیلست دارد. ایشان با تحلیل قوای نفس انسان، ظلم و بی‌عدالتی را نشی از قوه وهمیه و شیطانی انسان و کنار زدن قوه عقلیه توسط آن معرفی می‌کنند.

از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام، قوه عقلانی و عقل سلیم انسانی، از قوای روحانی و الهی است و برحسب فطرت، مایل به خیرات و کمالات است. حرکت با قوه عقل، مهم‌ترین انگیزه برای دستیابی به عدالت است. در مقابل قوه عاقله، قوه واهمه است که مایل به شر و تباهی است و از قوای شیطانی است. در این زمینه امام خمینی علیه‌السلام می‌فرماید:

آن قوه عاقله، یعنی قوه روحلیه‌ای است که به‌حسب ذات، مجرد و به‌حسب فطرت، مایل به‌خیرات و کمالات و داعی به‌عدل و احسان است، و در مقابل آن، قوه واهمه است که فطرتاً در تحت نظام عقلی نیلمده و مسخر در ظل کبریای نفس مجرد نشده، مایل به دنیا - که شجره خبیثه و اصل لصول شرور

لست - می‌بلشد. (امام خمینی، 1377 الفد 21)

از دیدگاه امام خمینی علیه السلام کشورهای قدرت طلب و زورگو با زیرپاگذشته‌تن عقل سلیم انسانی که از قوای الهیه است و با تبعیت از شیطان، به انواع و اقسام جنایات بر ضد بشریت دست می‌زنند. عقل انسان، به خیر و عدالت، گرایش دارد و نفس شیطانی وهمی، به شر و بی‌عدالتی. وقتی قدرتهای استکباری و شیطانی، قدرت روحی منسب (عقل سلیم و سنجش‌گر) برای کنترل فکر و ذهن خود ندلشته بشند، قوه واهمه و حس قدرت طلبی و هوا و هوس شیطانی، در آنها به کار افتاده، به انواع ظلمها و بی‌عدالتیها دست می‌زنند. از نظر امام خمینی علیه السلام، این صاحبان قدرت، «مفلوکان عالم» هستند:

آنهایی که خودشان در اریکه قدرت نشستند و این نخوت قدرتمندی در مغزهایی که کوچکنند، این سبب این می‌شود که هر کاری که می‌تولند لجام بدهند. به هر چه دستشان می‌رسد آن [را] لجام بدهند، هر ظلمی که می‌تولند بکنند هر ملتی را که می‌تولند زیر پای خودشان له کنند، اینها جزء مفلوکه‌های عالم هستند. برای اینکه قدرت روحی ندارند که هر چه وارد در مغزشان می‌شود بتولند کنترلش کنند ... آنها که برای خاطر قدرتمندی، کوچک بودن مغز و قدرت زیاد، در آن وارد شدند نمی‌تولند کنترل کنند خودشان را و حفظ کنند مغزشان را، اینها جزء مفلوکه‌ها هستند. (امام خمینی، 1377 ب: 11 / 268)

با نبود عقل سلیم و اخلاق، کشورهای قدرتمند به اقتدارگرایی مستکبرانه (همان: 12 / 144) و تفکر سلطه، روی می‌آورند که به مصیبت و بی‌عدالتی در سطحی گسترده می‌انجامد. (همان: 18 / 206)

با از بین رفتن عقل سلیم و فطرت الهی در نفس بشر، موازین اخلاقی زیر پا گذاشته می‌شود و قدرتهای بزرگ با تبعیت از هوا و هوس، جهان را به انحطاط می‌کشانند. در نتیجه، مسیر عدالت دچار مخاطره می‌شود. در این زمینه امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند:

پیمودن سیر کمالات و فضایل اخلاقی، دردی است که لقلب جوامع بشری بدان

مبتلاگر دیده‌اند. (همان: 15 / 6)

آن چیزی که دارد این سیاره ما را در سرلثیبی لخطاط قرار می‌دهد، لخراف اخلاقی است. (همان: 16 / 161)

از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، فقدان اخلاق، با خصلت‌های نفسانی دیگرگی تشدید می‌شود که عبارتند از: «حب نفس» (همان: 16 / 458)، «خودخواهی» (همان: 161 و 162)، «حب قدرت». (همان: 459)

3. موانع اقتصادی

یک. سلطه نظام سرمایه‌داری

رابطه اقتصادی در نظام بین‌الملل یک‌طرفه و نابرابر است و قدرت‌های بزرگ پیوسته در پی انبساط سرمایه و انتقال آن از کشورهای فقید قدرت هستند و این، مانع شکل‌گیری روابط عادلانه اقتصادی بین‌المللی شده و زمین‌ساز بسیاری از مسائل و مشکلات جهانی‌گر دیده است. امام خمینی علیه السلام، در آثار خویش با اشاره به بی‌عدالتی‌هایی که نظام سرمایه‌داری مرتکب آن می‌شود، به سیر تاریخی و ریشه سلطه نظام سرمایه‌داری و نیز اهداف کلی استعمارگران در کشورهای دیگر می‌پردازد:

زرلدوزان و سرمایه‌داران با ایجاد روابط گرم با جهان‌خواران، حق حیات و ابتکار عمل را از علمه مردم سلب کرده‌اند و با ایجاد مراکز لحصاری و چندملیتی، عملاً نبض اقتصاد جهان را در دست گرفته و همه راه‌های صدور و استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا و حتی نرخ‌گذاری و بلکداری را به‌خود منتهی نموده‌اند و با القای تفکرات و تحقیقات خودساخته، به توده‌های محروم بلورده‌اند که بلید تحت نفوذ ما زندگی کرده و آلا راهی برای ادامه حیات پلرهنه‌ها، جز تن‌دادن به فقر باقی نملده است ... به‌هر حال، این مصیبتی است که جهان‌خواران بر بشریت تحمیل کرده‌اند و کشورهای اسلامی به‌وسطه ضعف مدیریت‌ها و وابستگی، به وضعیت لسفبار گرفتار شده‌اند ... (امام‌خمینی، 1377 ب: 20 / 339)

اینها به‌صورت لستعمارگر از سیصد سال پیش یا بیشتر، به کشورهای اسلامی

راه پیدا کردند. (همان: 4 / 13)

استعمارگران پس از شناسایی کشورهای غنی و منابع خام آنها، خوشان را برای غارت آماده کردند (همان: 14) و بشیوه‌های مختلف درصد نفوذ در این کشورها برآمدند تا از مخزن عظیم آنها بهره‌مند شوند.

از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، باشکل‌گیری نظام سرمایه‌داری، بی‌عدالتی در جامعه جهانی به این شکل‌ها آشکار شده است:

الف) ظلم

نظام سرمایه‌داری، برنامه ظالمانه‌ای دارد که محروم‌کننده حقوق ملت‌های ستمدیده است. از این‌رو، این برنامه، هم مخالف اسلام و هم مخالف عدالت اجتماعی است:

اسلام، نه با سرمایه‌داری ظالمانه و بی‌حساب و محروم‌کننده توده‌های تحت ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را بطور جدی در کتاب و سنت محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند ... و نه رژیم ملند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک می‌باشند با اختلاف زیادی که دوره‌های قدیم تاکنون حتی اشتراک در زن و هم‌جنس‌بازی بوده و یک دیکتاتوری و استبداد کوبنده دربر داشته. (امام خمینی، 1377 ب: 21 / 444؛ امام خمینی، 1369: 393)

ب) توزیع ناعادلانه ثروت

امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

امروز چطور می‌تولیم ساکت و بی‌کار بنشینیم و ببینیم عده‌ای خدایان و حرامخوار و عامل بیگانه به‌کمک اجلب و به‌زور سرنیزه ثروت و دسترنج صدها میلیون مسلمان را تصاحب کرده‌اند و نمی‌گذارند از حداقل نعمت‌ها استفاده کنند. (امام خمینی، بی‌تا ج: 38)

ج) ناامنی اقتصادی

کشورهای جهان سوم و خاورمیانه و ملل اسلامی به‌لحاظ رقابت‌های اقتصادی در سطح

بین‌المللی، بسیار عقب افتاده‌اند و ابرقدرت‌ها با حربه‌هایی نظیر تحریم اقتصادی و ... کشورهای ضعیف را ناامن می‌کنند تا بتوانند بدین‌وسیله، حکومت‌های کشورهای را دست گرفته و منافع خودشان را در کشورهای تحت‌سلطه، تضمین نمایند. (امام‌خمينی، 1377 ب: 18 / 330 - 328)

د) وابستگی اقتصادی

سیستم ظالمانه و ناعادلانه سرمایه‌داری، بسیاری از وابستگی‌ها و از جمله وابستگی اقتصادی را برای کشورهای ضعیف به وجود می‌آورد:

مسئله اقتصاد ... یک مسئله مهمی است که وابستگی اقتصادی، بسیاری از وابستگی‌ها را می‌آورد دنبال خودش. (همان: 11 / 423)

دو. از بین رفتن موازین اخلاقی - الهی در اقتصاد و غلبه معیارهای مادی و سودگرایی

سودگرایی اخلاقی، یکی از نظریه‌های مهم اخلاقی است که براساس آن، عمل درست، عملی است که بیشترین سود را برای جامعه در پی داشته باشد. براساس این نظریه، عدالت در صورتی که بیشترین سود را برای جامعه نداشته باشد، عملی نادرست است. (اترک، 1383: 265) نتیجه این نظریه در اقتصاد، پیدایش نظام سرمایه‌داری بوده است. امام خمینی ره، مخالف نظریه سودگرایی و در نتیجه، اقتصاد سرمایه‌داری است. از نظر ایشان، اقتصاد باید علاوه بر معیارهای مادی به معیارهای معنوی و اخلاقی نیز توجه داشته باشد. از این‌رو، ایشان منتقد نظام سرمایه‌داری حاکم بر جهان به دلیل بی‌توجهی به اخلاق و معنویت هستند:

مکتب‌های مادی، تمام همتشان این است که مرتع درست بشود! تمام همت این است که منزل دلشته باشند؛ رفاه دلشته باشند - آنهاپی که رست می‌گویند - اسلام مقصدش بالاتر از اینهست. مکتب اسلام یک مکتب مادی نیست؛ یک مکتب مادی - معنوی است. مادیت را در پناه معنویت، اسلام قبول دارد. معنویات، اخلاق، تهذیب نفس. (امام‌خمينی، 1377 ب: 7 / 531)

مانباید معیارها را معیارهای مادی قرار بدهیم، و پیروزی و شکست را هم روی معیارهای طبیعی و مادی مطالعه کنیم. (همان: 13 / 288)

سه. آزمندی قدرت‌های سلطه

در طول تاریخ، یکی از مشکلات بشریت رویارویی با قدرت‌هایی است که به حق خویش قانع نبودند. از نظر امام خمینی علیه السلام اگر آزمندی در وجود آدمی، کنترل و محدود نشود، معضلات گوناگونی از جمله بی‌عدالتی را در جامعه بشری تشدید می‌کند. فرد گرفتار این ویژگی نامطلوب، هرگز به آنچه حق اوست، بسنده نمی‌کند و به سود و منافع دیگران هست‌اندازی می‌کند. (امام خمینی، بی‌تا ب: 29) از نظر حضرت امام، در حوزه اقتصادی نیز یکی از موانع عدالت اقتصادی در جهان، عدم تهذیب اخلاقی حاکمان اقتصادی جهان است. از نظر ایشان همه‌چیز، اعم از سیلست، اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و ... از فرد شروع می‌شود.

راهکارهای ایجاد عدالت جهانی

بخش دوم اندیشه امام خمینی علیه السلام، به چگونگی اجرای عدالت الهی در جامعه جهانی تعلق دارد. به‌طور کلی، از دیدگاه ایشان، متحول کردن فرد و جامعه در مسیر کمال انسانی و حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب، مقدمه‌ای برای رسیدن به نگرش عادلانه در جامعه جهانی، محسوب می‌شود. تحول و انقلاب از وضع موجود به وضع مطلوب (جامعه عادلانه)، در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیلستی و اقتصادی، از اهداف مهم و راهکارهای اسلسی دیدگاه امام خمینی علیه السلام است. این تحول، مراحل مختلفی دارد:

1. راهکارهای فردی - فرهنگی

یک. بیداری و خودباوری افراد

گام اول در حرکت به سوی عدالت جهانی، بیداری ملت‌ها و کنارزدن غفلت‌هست؛ بیداری در برابر ظله‌ها، غارت‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که نسبت به ملت‌های مظلوم از سوی ظالمان و ابرقدرت‌ها صورت می‌گیرد. در این باره امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

... اول قدم این است که بیدار بشوند؛ غفلت را کنار بگذارند ... (امام خمینی،

1377 ب: 10 / 243)

این مرحله‌ای است که وقتی بشریت به آن نایل شود، آغاز حرکت به سوی تکامل است. بیداری امری است که از فرد شروع می‌شود و به جامعه و اجتماع سرایت پیدا می‌کند و به بیداری ملی تبدیل می‌شود. نقش اندیشمندان و متفکران هر جامعه در بیدارسازی ملت‌ها بی‌پدیل است.

مرحله بعد، پس از بیداری، آن است که انسان خودش را باور کند؛ باور انسان، بنیان تمام امور در زمینه‌های فردی و اجتماعی است؛ اگر انسان خود و جایگاهش را بشناسد، می‌تواند به همه چیز و از جمله عدالت دست پیدا کند. به تعبیر امام خمینی ره، اساس تمام پیروزی‌ها و شکست‌های انسان، در درک همین بُعد است:

لساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود؛ لسان لسان پیروزی است و لسان شکست است؛ باور لسان تمام امور است ...
(امام خمینی، 1376: 110 - 107)

راه‌هایی انسان‌ها از بی‌عدالتی‌ها، این است که خود و حقیقت را دریابند و به سوی خود حقیقی گام بردارند؛ این مرحله، مقدمه‌ای برای تکامل در تمامی ابعاد و از جمله اجرای عدالت در سطحی کلان است.

دو. تحول فردی و اجتماعی

وقتی انسان از خواب غفلت بیدار شد و سپس قدرت و توانایی خود را باور کرد، خیزشی برای تحول فردی و اجتماعی پیدا می‌کند. معرفت‌بخشی امام خمینی ره در زمینه عدالت جهانی، از انسان شروع و تعالی، تکامل و رشد عدالت در اجتماع بشری، با انقلاب درونی افراد آغاز می‌شود. عدالت از انسان آغاز می‌شود. عدالت، نوعی تحول فردی است؛ تحول از ظلم به عدل و متحول ساختن ظالم به عادل.

اقلمه عدل، همین درست کردن لسان هست. عدل یک چیزی نیست، آلا آن که از لسان صادر می‌شود، ظلم هم آن است که از لسان صادر می‌شود. اقلمه عدل متحول کردن ظالم به عادل است، متحول کردن مشرک به مؤمن است ...

(همان: 129)

بنابراین، ملتها علاوه بر اینکه باید خود را متحول سازند و عادل شوند، در قدم بعد باید در مقابل ظالمها بایستند و آنها را متحول ساخته، عادل گردانند. وظیفه اجرای عدالت، تنها منحصر به بُعد فردی نمی‌شود، بلکه بعد اجتماعی آن مهمتر است و باید تلاش کرد ظالمان را به خط عدالت کشاند.

و اگر چنانچه ما با همان بُعد ظاهری قرآن، به همان بُعدی که قرآن برای اداره امور بشر آمده است، برای رفع ظلم از بین بشر آمده است، یعنی یک بُعد این است که ظلم را از بین بشر بردارد و عدالت اجتماعی را در بشر ایجاد کند، ما اگر کوشش کنیم و آنهایی که تابع قرآن خودشان را می‌دانند، مسلمین جهان اگر کوشش کنند تا اینکه این بُعد از قرآن را که بُعد اجرای عدالت اسلامی است، در جهان پخش کنند، آنوقت یک دنیایی می‌شود که صورت ظاهر قرآن می‌شود. ... با هدایت این نور، سایر کشورهای اسلامی و سایر مستضعفان جهان بیدار بشوند و خودشان را از تحت سلطه قدرت‌های بزرگ خارج کنند.
(امام خمینی، 1377 ب: 17 / 435)

بنابراین، تحول فردی - فرهنگی برای اجرای عدالت واقعی در سطح جهانی، در اندیشه امام خمینی علیه السلام دو بعد مهم دارد:

1. بعد بیداری فردی، به خود آمدن و درک خویشتن و حرکت در مسیر فطرت الهی؛
 2. بعد اجتماعی - سیاسی، قیام در برابر ظلم و بی‌عدالتی برای برپایی عدالت در زمین.
- این دو بعد تحول، راه‌گشای حرکت صحیح جامعه انسانی و رهایی از وابستگی‌ها و تعلقات و مشکلات جاری است. (جمشیدی، 1380: 441)

سه. تحول جهانی

امام خمینی با اعتقاد به وجود هویتی ذاتی برای انسان که همان هویت فطری اوست، معتقدند از آنجا که جامعه، مجموعه‌ای از انسان‌هاست، این هویت فردی مسیر هویت جمعی را شکل می‌دهد؛ بنابراین، هویت واقعی جوامع نیز متأثر از هویت اصیل انسانی و هویت فطری است

که باید برای احیای آن کوشید. (فوزی، 1384: 204) با دستیابی به هویت جمعی و شناخت هویت واقعی جوامع، راه برای اجرای عدالت در جامعه جهانی هموار می‌گردد و با پی‌بردن تمامی انسان‌ها به حقوق خویش و نیز با پیروی از فرهنگ اصیل خویش در کنار شناخت خوشتن، مستعد اجرای عدالت الهی می‌شوند. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام پیامبران و انبیای الهی، به دنبال ایجاد هویت الهی برای انسان‌ها بودند. همچنین سرچشمه و «مصدر بسط عدالت و فرهنگ انسان‌ساز» (امام خمینی، 1377 ب: 12 / 136) و «منشأ حرکت به سوی برچیدن اساس ظلم و نابکاری و ارتقا به مقام والای انسانی» (همان) و «هجرت از تمام ظالم‌ها و خصلت‌های شیطانی - حیوانی به سوی نور مطلق و سرچشمه کمال» (همان) برخاسته از منبع فیضان الهی است که شکل‌دهنده هویت جمعی و ایجادکننده عدالت اجتماعی در سطح جامعه جهانی است.

توجه به خوشتن و هویت واقعی، بزرگ‌گشت به اصل فطرت و انسانیت و توجه به اصول اخلاقی و بشری است که در نهاد انسان، به ودیعت گذاشته شده است که انسان‌ها با درک آن، عدالت را در جامعه نهادینه می‌کنند.

2. راهکارهای سیاسی (تحول سیاسی)

برای توضیح راهکارهای سیاسی اجرای عدالت در اندیشه امام خمینی علیه السلام، به ویژگی‌های سیلست مطلوب از دیدگاه ایشان اشاره می‌شود:

1. ارتباط سیلست و معنویت: سیلست در منظر امام خمینی علیه السلام، جدا از اخلاق متعالی و معنویت نیست. (امام خمینی، 1377 ب: 6 / 467)
2. ارتباط سیلست و عقل سلیم انسانی: (امام خمینی، 1377 الف: 21) هدف اصلی سیلست عادلانه، جلوگیری از پیدایش مفلسد و نیز خارج‌نشدن از دایره فطرت انسانی است. (امام خمینی، 1377 ب: 3 / 227)
3. ارتباط سیلست و اخلاق. (همان: 6 / 15)
4. ارتباط عدالت و سیلست: امام خمینی علیه السلام سیلست را «راه‌بردن جامعه به موازین عقل و

عدل و انصاف و ...» (همان: 21 / 405) می‌دانند.

ویژگی‌های سیلست از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، این نکته را آشکار می‌کند که ابعاد مختلف عدالت در سیلست، پیوندی نزدیک با دیگر وجوه عدالت فرهنگی و اقتصادی پیدا می‌کند. راهکارهای سیلستی امام خمینی علیه السلام در اجرای عدالت جهانی عبارتند از:

یک. تعدیل قدرت

اولین مانع عدالت جهانی، نظام سلطه و قدرت‌طلبی قدرتهای بزرگ است. در جهان حاضر، حقوق انسان‌ها به‌عنوان اعضای جامعه جهانی در خطر است. به عقیده امام، ریشه بسیاری از بی‌ثباتی‌ها در جامعه جهانی، نارضایتی عمیق مردم است که با اعمال سلطه حکومت‌ها و نهادها و سازمان‌های به‌اصطلاح بشری زیر فشار و ظلم بوده‌اند؛ این نارضایتی‌ها در طول زمان ادامه داشته و درنهایت، به بی‌عدالتی و ناامنی انجامیده است. سز و کار امام خمینی علیه السلام برای رفع این مانع بزرگ، نزدیک‌شدن به وضعیت «تعادل» و به‌عبارتی، تعدیل قدرت است. (افتخاری، 1387: 102 و 103) در این زمینه، امام خمینی علیه السلام معتقدند:

... مسلمان باید بداند تا زمانی که تعادل قوا در جهان بفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانه بر منافع آنان مقدم می‌شود ... (امام‌خمینی، 1377 ب: 74 / 21)

امام تأکید خاصی بر محتوا و هدف دارند. عدالت، به‌منزله ابزاری است که به‌وسیله آن، امکان اجرای استراتژی‌های مورد نظر مانند: مبارزه با تجاوزها و فسادها، تأمین منافع مستضعفان، جلوگیری از ظلم و ستم، و برپایی عدالت اجتماعی فراهم می‌آید. (امام‌خمینی، 1369: 18 و 26)

در اندیشه امام خمینی علیه السلام، برای رسیدن به عدالت مطلوب در جامعه جهانی، راهکارهایی برای تعدیل قدرت، وجود دارد که از جمله می‌توان به دو نمونه اشاره کرد:

الف) تحول اخلاقی (تعدیل اخلاقی)

از جمله سز و کارهای مهم در مهار قدرت، اخلاقی‌کردن آن است. قرارگرفتن قدرت در

چهارچوب اخلاق، به تعدیل آن کمک کرده و سازوکاری فراهم می‌آورد تا از قدرت به صورت ندادلانه، ظالمانه و مستکبرانه، استفاده نشود.

... قدرت مادی و تسخیر فضا، احتیاج به ایمان و اعتقاد و اخلاق اسلامی دارد تا تکمیل و متعادل شود و در خدمت لسان قرار گیرد؛ نه اینکه بلای جان لسان بشود ... (امام خمینی، بی‌تا ج: 19 و 20)

ب) تعدیل قانونی

تعدیل قانونی به معنای پذیرش مرجعیت قانون و تأکید بر این است که در اسلام، قانون به صورت پیشینی، از سوی خدای متعال ارائه شده است. از این رو، همه انسان‌ها، موظف به رعایت آن هستند تا به جامعه عدالت‌محور نزدیک شوند.
امام خمینی علیه السلام درباره تعدیل قانونی و نیز اخلاقی، معتقدند:

مسلمانان هنگامی می‌توانند در امنیت و آسایش بهسر برده، ایمان و اخلاق فضل‌ه خود را حفظ کنند که در پناه حکومت عدل و قلوب قرار گیرند. (همان: 153)
و هیچ حاکمی حق ندارد برخلاف مقررات و قلوب شرع مطهر قدمی بردارد. (همان: 73)

این باعث می‌شود تا قدرت به صورت ضابطه‌مند تعریف شود و مرزهای متعارف را نقض نکند. توجه به این نکته، یکی از اسلسی‌ترین بحث‌ها در بخش راهکارهای سیلسی عدالت در اندیشه امام خمینی علیه السلام است.

3. راهکارهای اقتصادی (تحول اقتصادی)

امام خمینی علیه السلام براساس مبانی فلسفی و دیدگاه اقتصادی خود، هدف غایی نظام اقتصادی را تهذیب نفس، معنویات و اخلاق دانسته و نظام اقتصادی را وسیله و ابزاری برای دستیابی به این امر می‌دانند و می‌فرمایند:

اقتصاد هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای نیل به هدفی بالاتر و والا تر، یعنی

فرهنگ اسلامی است. (امام خمینی، 1377 ب: 8 / 85)

به طور کلی، سیاست‌های اقتصادی باید تقویت فرهنگ اسلامی و رشد معنویات و تهذیب نفس آحاد جامعه بشود. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام اهداف عدالت اقتصادی، در جامعه جهانی عبارتند از:

یک. اعتلای معنوی انسان‌ها در کنار ترقی مادی با توجه به مبانی فلسفی - دینی امام خمینی علیه السلام با توجه به اهمیت خاصی که برای اعتلای معنوی انسان‌ها قائل است، هدف اصلی جامعه عادلانه اقتصادی اسلام را نیز این امر برشمرده‌اند:

سلام دینی است که با تنظیم فعالیت‌های مادی، راه را به اعتلای معنوی لسان می‌گشاید. ترقی واقعی همین است که رشد خود لسان، هدف فعالیت‌های مادی گردد و سلام دین این ترقی است. (همان: 4 / 360)

دو. توزیع عادلانه ثروت (تعدیل ثروت)

بخش اعظمی از تعلیمات اسلام و امام خمینی علیه السلام، معطوف به عدالت اجتماعی است و یکی از راهکارهای این امر، تعدیل ثروت است. (همان: 3 / 323) امام خمینی معتقدند اسلام دنبال تعدیل است، نه جلوی سرمایه را می‌گیرد و نه اجازه می‌دهد سرمایه در دست عده‌ای محدود جمع شود. (همان: 8 / 470)

سه. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی، به معنای در امان بودن دارایی‌های انسان از تجاوز دیگران است. در نظام بین‌الملل، امنیت اقتصادی، از سوی عواملی مانند: ظالمانه بودن یا شفاف نبودن حقوق و ملکیت، (همان: 20 / 339) سیاست‌های اقتصادی نامناسب دولت‌ها، تحریک‌ها، قطع رابطه اقتصادی از سوی ابرقدرت‌ها و مسدود کردن دارایی کشورهای دیگر تهدید می‌شود. (همان: 18 / 330 - 328) از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، برای دستیابی به عدالت اقتصادی در نظام بین‌الملل، باید قدرت‌های سلطه را تعدیل و محدود کرد. در واقع، این مشکل اقتصادی، راهکار سیلسی دارد.

چهار. استقلال اقتصادی

امام خمینی علیه السلام وابستگی اقتصادی را منشأ تمام وابستگی‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌داند (همان: 10 / 333) و معتقدند بدون دستیابی به استقلال اقتصادی نمی‌توان به استقلال در دیگر زمینه‌ها دست یافت:

مسئله اقتصاد ... یک مسئله مهمی است که وابستگی اقتصادی، بسیاری از وابستگی‌ها را می‌آورد دنبال خودش. (همان: 10 / 433 و 11 / 423)

ز این‌رو، امام استقلال اقتصادی را یکی از اهداف مهم نظام اقتصادی در سطح جهانی می‌داند. از دیدگاه ایشان، وابستگی اقتصادی، منشأ بسیاری از بی‌عدالتی‌ها در جهان است. با استقلال کشورها و قطع وابستگی آنها قدم‌های اساسی برای ایجاد عدالت در جامعه جهانی، برداشته می‌شود. استقلال اقتصادی عبارت است از اینکه: یک جامعه در تأمین منافع و امکانات اقتصادی خود به دیگر جوامع متکی نبوده و زمام امور اقتصادی آن در دست خودش باشد و امکانات این کشور برای تحرک و ادامه حیات نیازمند سرمایه، کارشناس و امکانات دیگر جوامع نباشد. (موسایی، 1386: 267)

غایت عدالت جهانی

امام خمینی علیه السلام، غایت عدالت اجتماعی در ادیان الهی را توسعه معرفت می‌داند که اساس توسعه و تعالی در همه زمینه‌هاست:

... عمده نظر کتاب الهی و لیبای عظام بر توسعه معرفت است. تمام کارهایی که آنها می‌کردند، برای اینکه معرفت الله را به معنای واقعی توسعه بدهند؛ جنگ‌ها برای این است، صلح‌ها برای این است، و عدالت اجتماعی، غیبتش برای این است. این‌طور نیست که دنیا را بچینند آنها بوده است که می‌خواستند فقط دنیا اصلاح بشود. همه را می‌خواهند اصلاح بکنند. (امام خمینی، 1377 ب: 19 / 115)

بر همین اساس، فرستادن پیامبران و رسولان نیز برای ساختن و رساندن بشریت به کمال لایق اوست. ادیان و اسلام، مقدمه‌ای برای انسان‌سازی و قرآن، کتابی برای متعالی‌سازی

است و هدف اساسی رسالت انبیا نیز همین است. (همان: 13 / 265) غایت عدالت اجتماعی، پیشرفت در همه زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است که به تشکیل مدینه فاضله و فراهم‌سازی عقیده توحیدی در جهان و جلوگیری از تعدیات ظالمانه می‌انجامد:

یکی از مقصد بزرگ شرایع و نبیاء عظام، سلام‌الله‌علیهم، که علاوه بر آن که خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است و اجتماع در مهمام امور و جلوگیری از تعدیات ظالمانه ارباب تعدی است، که مستلزم فساد بنی‌الانسان و خراب مدینه فاضله است و این مقصد بزرگ، که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای بلطنی و ظاهری؛ و افراد جامعه بطوری شوند که نوع بنی‌آدم تشکیل یک‌شخص دهند، و جمعیت بمنزله یک‌شخص باشد... و تمام کوشش‌ها و سعی‌ها حول یک مقصد بزرگ الهی و یک مهمم عظیم عقلی، که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند. و اگر چنین مودت و اخوتی در بین یک نوع یا یک طایفه پیدا شد، غلبه کنند بر تمام طوایف و مللی که بر این طریقه نباشند. (امام‌خمینی، 1373: 310)

نتیجه

درست است که بحث از اجرای عدالت در سطح جهانی، در ابتدای امر، تا حد زیادی به صورت بحثی آرمانی جلوه می‌کند و نیز سیستم عینی نظام و روابط بین‌الملل، در سطح جهانی ساز و کارهای خاص خودش را دارد، اما با واکاوی دقیق نظرات امام خمینی علیه السلام، درمی‌یابیم که آنچه در دیدگاه ایشان اهمیت دارد، بحث از تغییر و تحول و به‌عبارتی دقیق‌تر، بحث از ایجاد جامعه عادلانه جهانی است که پروسه‌ای زمانمند و دارای مراحل مختلف است. بنابراین، دو زمینه کلاً مرتبط به هم در اندیشه امام خمینی علیه السلام، نسبت به عدالت در سطحی کلان یعنی عدالت در عرصه جهانی بررسی شد.

رویکرد امام خمینی علیه السلام از انسان‌شناسی خاص الهی که مبتنی بر عقیده توحید الهی است، شکل می‌گیرد. در نظر ایشان محور و موضوع عدالت ابتدا از خود انسان شروع می‌شود.

زاینرو، ایشان ابتدا به موانع فردی - فرهنگی می‌پردازند که در نفس و ذات بشر مانع ایجاد عدالت هستند؛ این موانع عبارتند از: ناآگاهی و جهل، روحیه ظلم‌پذیری انسان‌ها و جداسازی رابطه عدالت و معنویت. موانع سیلسی تحقق عدالت جهانی عبارت بودند از: نحوه توزیع نابرابر قدرت به‌همراه نبود اخلاق و عقل سلیم انسانی - الهی که سبب ایجاد تفکر سلطه و اقتدارگرایی مستکبرانه در سطحی گسترده شده است.

تفکر سرمایه‌داری با خصلت جهان‌خواری خود و با ایجاد معیارهای فایده‌گرانه و از بین رفتن معیارهای اخلاقی، باعث ظلم و ناامنی اقتصادی در جهان و بزرگ‌ترین مانع عدالت جهانی است. در بخش دوم، راهکارهای رسیدن به عدالت در جامعه جهانی، بررسی شد. بحث امام خمینی ره، در هر سه محور فرهنگی، سیلسی و اقتصادی، از تحول شروع می‌شود. ایشان به دنبال تحول و ایجاد جامعه عادلانه با تفکر جهانگرایی هستند. راهکار فرهنگی - فردی، ابتدا از بیداری فردی شروع می‌شود که موجب بیداری و تحول جامعه و متحول کردن محیط اطراف و پایه‌ریزی عدالت می‌شود و در مرحله آخر، به بیداری جمعی (همه بشریت) و ایجاد جامعه عادلانه جهانی می‌انجامد. به تبع تحول فرهنگی، تحول سیلسی دقیقاً از همان نقطه‌ای آغاز می‌گردد که تحول فردی از آنجا شروع شده است. تحول سیلسی، به طور دقیق، بر پایه دو عنصر مهم یعنی بزرگ‌گشت به اخلاق و عقل سلیم انسانی صورت می‌پذیرد که به تعدیل قانونی و تعدیل اخلاقی منجر می‌شود. با آراست شدن انسان‌ها به این دو گوهر گران‌بها، جهان سیلسی گامی اسلسی به سمت عدالت برمی‌دارد.

از دیدگاه امام خمینی ره، بخش عدالت اقتصادی، رابطه تنگاتنگی با عدالت فرهنگی و سیلسی دشت. در تحول اقتصادی، اعتلای معنوی انسان‌ها در کنار ترقی مادی، سبب ایجاد اقتصاد سالم همراه با استقلال و امنیت و توزیع عادلانه ثروت می‌شود.

در راستای دیدگاه تحول‌گرایانه و آینده‌نگرانه امام خمینی ره، اکنون شاهد خیزش و بیداری کشورهای مسلمان هستیم که خواهان نظام عدالت‌محور بر پایه اندیشه دینی در کشورهای خود هستند و این امر، سبب سقوط دیکتاتورها و حاکمان وابسته به غرب شده است. امید است این خیزش و بیداری که هم‌اکنون، در کشورهای خاورمیانه و آفریقا رخ داده

است، در ادامه، به بیداری جهانی، مخصوصاً بیداری مردم کشورهای غربی بینجامد و بساط ظلم و بی‌عدالتی در جهان برچیده شود. همچنین، این قیام‌ها نشان از تحقق پیش‌بینی امام خمینی علیه السلام و درستی راهکارهای ایشان برای تحقق عدالت اجتماعی است.

منابع و مأخذ

1. اترک، حسین، 1383، «سودگرایی اخلاقی»، *نقد و نظر*، شماره 37 و 38.
2. افتخاری، اصغر، 1387، «عدالت به‌مثابه تعدیل، درآمدی بر نظریه امام خمینی علیه السلام در باب عدالت ملی و بین‌المللی»، *در عدالت و سیاست (بررسی ابعاد نظری و کاربردی عدالت در گفتمان سیاسی اسلام و غرب)*، به اهتمام فرشاد شریعت، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، چ اول.
3. امام‌خمینی، سیدروح‌الله، 1369، *وصیت‌نامه الهی - سیاسی امام*، تهران، نشر اسوه.
4. _____، 1376، *تفسیر سوره حمد*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ سوم.
5. _____، 1377 الف، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
6. _____، 1377 ب، *صحیفه امام*، جلد‌های 22 - 1، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
7. _____، 1373، *شرح جهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ پنجم.
8. _____، بی‌تا الف، *تقریرات فلسفه*، بی‌جا، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

9. _____ ، بي‌تاب، **جهاد اکبر**، بي‌جا، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني.
10. _____ ، بي‌تاج، **ولايت فقيه**، قم، آزادي.
11. _____ ، بامچيان، اسدالله، 1378، **درآمدي بر اندیشه سياسي امام خميني**، تهران، نشر ناپ، چ اول.
12. جمشيدى، محمدحسين، 1380، **نظريه عدالت از ديدگاه فارابى، امام خمينى، شهيد صدر**، تهران، پژوهشکده امام خميني و انقلاب اسلامي.
13. سيد باقرى، سيدکاظم، 1386، **راهکارهاي عدالت اجتماعي در نظام اسلامي**، تهران، کانون اندیشه جوان.
14. فوزى، يحيى، 1384، **اندیشه سياسي امام خمينى**، قم، دفتر نشر معارف.
15. موسايى، ميثم، 1386، **امام خمينى، دولت و اقتصاد**، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چ اول.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی